

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۳۰

جمعه ۱ شهریور ۱۳۹۸، ۲۳ اوت ۲۰۱۹



سفر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه حکومت دزدان و آدمکشان جمهوری اسلامی به اسکانديناوی با اعتراض کوبنده مخالفين روبرو شد و انعکاس وسیعی در جامعه و مطبوعات سوئد و همچنین در رسانه ها و مطبوعات فارسی بین المللی داشت.

نامه هرگز رها به استنفان لوون نخست وزیر سوئد

اعتراض به رفتار خشن پلیس سوئد در مقابل معترضان به حضور ظریف

صفحه ۲

شهلا دانشفر

کارگران در هفته ای که گذشت

صفحه ۵

گفتگوی نسان نودینیان با مینا احدی در مورد مراسم گرامیدشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز

صفحه ۷

محسن ابراهیمی

جنگ آیت الله ها و بحران حکومت اسلامی! "چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من!"

صفحه ۸

کارزار جهانی برای آزادی سهیل عربی

پرسش از سه تن از سازماندهندگان کارزار

صفحه ۱۰

حسن صالحی

چرا نامه به امضاکنندگان بیانیه ۱۴ کنشگر عرصه زنان را نوشتیم؟

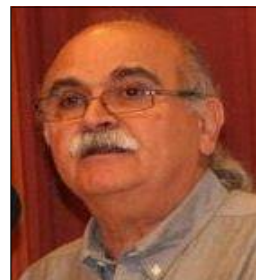
پاسخ به برخی انتقادات

صفحه ۱۳

صابر رحیمی: *گزارشی از تظاهرات علیه حضور ظریف در نروژ

*نامه سرگشاده به وزیر امور خارجه نروژ

صفحه ۱۴



حمید تقوایی

جنبش سرنگونی و چهار رکن رهائی جامعه

خیزش گسترده توده مردم در دی ماه ۹۶ که تعرض تازه و قدرتمندی را به کل نظام جمهوری اسلامی آغاز کرد نقطه عطفی در شرایط سیاسی ایران بود. نقطه عطفی که با شعار "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمامه ماجرا" حکم سرنگونی کل حکومت اسلامی را صادر کرد و سرنگونی را به گفتمان هر روزه مردم و نگرانی و هراس هر روزه دار و دسته های حکومتی تبدیل کرد. نقطه عطفی که به جنبش کارگری، که خود در تدارک و زمینه سازی خیزش ۹۶ نقش

ادامه در صفحه ۳

منشور انقلاب و رهایی جامعه

(مصوب دفتر سیاسی، به اتفاق آراء)

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ خرداد ۱۳۹۷، ۲۰ ژوئن ۲۰۱۸

صفحه ۴

اصغر کریمی

زنده باد حزب!

صفحه ۱۱

کیان آذر

طنین قدرتمند جنبش سرنگونی در دو روز تجمع اعتراضی در شهر استکهلم

صفحه ۱۲



نامه هرمز رها به استفان لوون نخست وزیر سوئد

۲۳ اوت ۲۰۱۹

به stefan l fven نخست

وزیر سوئد

رونوشت: پارلمان سوئد
رسانه ها، سازمانهای کارگری
و نهادهای مدافع حقوق
انسان
موضوع: اعتراض به رفتار
خشن پلیس سوئد در مقابل
معترضان به حضور ظریف

اسلامی، و همزمان فیلم ها و
گزارشات زیادی به دنیا
مخابره شد که همگان دیدند،
پلیس سوئد با اسب و سگ و
باتوم به مردم معترض حمله
کرده و تعدادی را با خشونت
دستگیر میکنند. خوشبختانه

در ابعاد بسیار وسیعی و در
رسانه های سوئد و بسیاری
دیگر از کشورها رفتار خشن
پلیس سوئد منعکس شده و
مورد انتقاد و اعتراض قرار
گرفته است و من در اینجا
میخواهم بعنوان یکی از
سازمان دهندگان تظاهرات
رسمی رفتار پلیس را شدیداً
محکوم کنم و به دولت سوئد
بخاطر مداخلات با جمهوری
اسلامی اعتراض کنم.

شما سابقه ۴۰ سال
حکومت اسلامی را بخوبی
میدانید. حتی از اقدامات
جاسوسی و تروریستی
حکومت و سفارتش در سوئد
نیز بخوبی خبر دارید. شما
چشماتان را به چهل سال
جنایت، چهل سال آپارتاید
جنسی همه جانبه ای که با
سرکوب و سنگسار و اعدام و
زندان و شکنجه و اسیدپاشی
به صورت زنان تحمیل کرده
است و پاسخ هر مخالفی را با
اعدام و قتل و شکنجه داده

روزهای ۲۰ و ۲۱ اوت،
محمد جواد ظریف، وزیر امور
خارجه جمهوری اسلامی،
مهمان شما بود. در مقابل
حضور یکی از مقامات
حکومتی که در پرونده اش
قتل دهها هزار نفر و نقض
سیستماتیک و وحشیانه
حقوق انسانی ثبت شده،
صدها نفر از ایرانیانی که از
دست این حکومت فرار کرده
و در کشور سوئد زندگی
میکنند، در مقابل پارلمان و
در مقابل ساختمان مرکز بین
المللی پژوهش صلح دست به
اعتراض زدند. آنها فریاد
میزدند روابط دیپلماتیک
خود با جنایتکاران اسلامی
حاکم بر ایران را قطع کنید و
چرا دست دوستی به جانین
میدهد. در محل تظاهرات،
مردم حاضر و هم توریست ها
به این حرکت پیوسته و فریاد
میزدند نه به حکومت

ندهید. مقامات این حکومت
را به این کشور راه ندهید. در
سیاست خود تجدید نظر
کنید. اگر حاضر نیستید کنار
مردم ایران، که برای
سرنوشت این حکومت عزم
راسخ دارند، قرار بگیرید لاقبل
مقابل آنها قرار نگیرید.
جمهوری اسلامی باید در
سراسر جهان بایکوت سیاسی
شود همان کاری که دنیا با
حکومت نژادپرست آفریقای
جنوبی کرد. این حکومت
منتخب مردم ایران نیست
حکومت مستی دزد و قاتل و
فاسد است. خودتان را بیش
از این آلوده نکنید.

هرمز رها

از طرف تشکیلات خارج
کشور حزب کمونیست
کارگری ایران در سوئد
wpis.sweden@gmail.com

m

یک شهروند سوئدی - ایرانی
در مقابل رسانه ها با وقاحت
میگوید بدلائل حقوق بشری
اجرای حکم اعدام را به تاخیر
می اندازیم و شرم آور است
که شما حتی در این مورد لام
تا کام حرفی نمیزنید و حاضر
نیستید جمهوری اسلامی را
رسماً و علناً محکوم کنید.

شما اسب و سگ و باتوم و
پلیس را علیه کسانی به
خیابان آوردید که هرکدام آنها
یا خود سالها در زندان
شکنجه شده اند و یا هر کدام
اعضایی از خانواده یا دوستان
و همکاران و همکلاسی
هایشان پس از شکنجه و یا
تجاوز در زندان اعدام شده
اند. آیا رفتار شما و سیاست
مداخلات جویانه شما با چنین
حکومتی شرم آور نیست؟
میتوانید سرتان را بلند کنید
و از سیاست خود دفاع کنید؟
خودتان را کنار حکومتی
که مورد نفرت عمیق مردم
ایران و جهان است قرار

است، بسته آید. شما ادعای
حقوق بشر میکنید اما حقوق
بشر شما شامل زنانی که با
رشادت در مقابل تحمیل
حجاب و آپارتاید ایستاده اند و
اکنون در زندان هستند
نمیشود. شامل رهبران
کارگری که در مقابل مستی
آیت الله و مقامات فاسد و دزد
و میلیاردر اعتراض کرده و در
زندان به سر میبرند نمیشود.
شامل دانشجویان و
نویسندگان و فعالین محیط
زیست که بدلیل اعتراض
بحقشان در زندان هستند و یا
شامل معتقدین به مذاهب
دیگر که بدلیل اعتقادشان از
هر حقی محروم شده اند،
نمیشود. حقوق بشر شما
شامل حتی شهروندان
سوئدی ایرانی یا سایر
شهروندان اروپایی که بعنوان
گروگان در زندان های
جمهوری اسلامی به سر
میبرند نمیشود. محمد جواد
ظریف در مورد حکم اعدام



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wpiran.org

از صفحه ۱

جنبش سرنگونی و چهار رکن رهائی جامعه

گسترده علیه تخریب محیط زیست، جنبش مالباختگان، جنبش اعتراض به فقر و تورم و ناامنی اقتصادی و به دزدی و فساد و مقامات حکومتی، اعتراضات رو به گسترش زندانیان سیاسی و خانواده هایشان و غیره و غیره نیز همه اجزاء و عرصه های مختلف جنبش عظیم سرنگونی طلبانه جاری هستند. امروز این جنبش عظیم است که به فضای سیاسی جامعه شکل میدهد. این پیشروها نشاندهنده به چپ چرخیدن جامعه و فضای اعتراضات است. خط استحاله و اصلاح گام بگام حکومت تماما حاشیه ای و منزوی شده است و موضوعیت و ارزش مصرف خود را حتی برای حکومتی ها از دست داده است.

پیشروهای اپوزیسیون راست، طیف سلطنت طلب-جمهوریخواه، را هم در تنگنا قرار داده است. اگر دواخردادها خواستار حفظ نظام جمهوری اسلامی با محدود کردن و یا حداکثر حذف اصولگرایان و ولی فقیه هستند، نیروهای اپوزیسیون راست میخواهند "روحانیون" را کنار بگذارند اما کل ماشین دولتی و نهادهای حاکمیت طبقاتی، اعم از بوروکراسی و وزارت اطلاعات و زندانها و نیروهای سرکوبگر و مسلح را حفظ کنند. هدف آنان حفظ نظام موجود با حداقل تغییرات ممکن است. بهمین خاطر بزیر کشیده شدن جمهوری اسلامی به قدرت انقلاب توده ای نه تنها شیوه مطلوب آنها نیست بلکه مغایر با اهداف استراتژیک آنها است. شیوه مطلوب آنها، شیوه ای که

اجازه میدهد نظام موجود با حداقل تغییرات دست بشود، رژیم پنج و تغییرات از بالای سر مردم و اتکا بقدرت نظامی آمریکا و سناریوهایی از این قبیل است. انقلاب این سناریوها را در هم میریزد. زمانی مهدی بازرگان، اولین نخست وزیر بعد از سرنگونی شاه، گفت باران میخواستیم سیل آمد. امروز هم سطنت طلبان برای اعاده نظام سابق حداکثر به باران نیاز دارند. سیل انقلاب بساط سناریوهای رژیم چنجی و نیروهای خواهان آترا نیز با خود خواهد برد.

آن جنبشی که به استقبال انقلاب میرود جنبش کمونیسم کارگری است. کمونیسم کارگری خواهان تغییر بنیادی و ریشه ای و همه جانبه کل حکومت جمهوری اسلامی و نظام سیاسی- اقتصادی اقلیت مفتخور سرمایه دار که این حکومت پاسدار آنست، و خواهان لغو و در هم کوبیدن کل قوانین و نهادهای بوروکراسی و ماشین دولتی مافوق مردم است. و این امری است که تنها بقدرت یک انقلاب گسترده و قدرتمند توده مردم میسر است. کمونیسم کارگری نه تنها خواهان و منادی انقلاب است بلکه خود در شکل دادن به شرایط انقلابی حاضر و تعیین رادیکالیزه کردن و تعیین بخشیدن و گستراندن جنبش سرنگونی نقش فعالی داشته است.

امروز هر نیروی اپوزیسیونی که نخواهد موضوعیت و رابطه خود با جامعه را از دست بدهد ناگزیر است از انقلاب دم بزند، همه به یک معنی " سرنگونی طلب" شده اند اما باید توجه داشت که جنبش سرنگونی جمع جبری سرنگونی طلبی

جنبشهای طبقاتی مختلف - نیروهای اپوزیسیون راست و چپ- نیست بلکه جنبش مستقل و قائم به ذاتی است که مکانیسم و قانونمندیهای ویژه خود را دارد. جنبشی است که "نه" توده مردم به جمهوری اسلامی و عدم پذیرش وضع موجود از جانب یک جامعه معترض و جان به لب رسیده را نمایندگی میکند و به این اعتبار جنبشی است سلبی در نقد و نفی حکومت و کل نظام جمهوری اسلامی.

نفس سر برآوردن جنبش سرنگونی همانطور که بالاتر اشاره کردم به معنی به چپ پرخیدن فضای جامعه است اما فرجام جنبش سرنگونی و انقلاب، تماما به عملکرد جنبشهای طبقاتی و احزاب و نیروهای اپوزیسیون راست و چپ گره میخورد.

اپوزیسیون راست همه تلاش خود را به کار خواهد برد که افق و روایت مینیمالیستی و سازشکارانه خودش از سرنگونی را برجامعه حاکم کند، از رادیکالیزه شدن و تعمیق اعتراضات مردم جلوگیری کند و فعالین و پیشروان جنبشهای اعتراضی در عرصه های مختلف را به دنبال سیاستهای سازشکارانه خود بکشاند.

در مقابل جنبش کمونیستی باید بعنوان رهبر کل جنبش سرنگونی در جامعه ظاهر شود و تلاش کند نقد عمیق و ریشه ای و همه جانبه خود از کل نظام موجود را در جامعه اشاعه بدهد و به خط فعالین و اکتیویستهای جنبش سرنگونی و جنبشهای اعتراضی مختلف تبدیل کند. این هدفی است که حزب ما دنبال میکند. سال گذشته حزب ما بیانیه ای با عنوان منشور انقلاب و رهائی جامعه منتشر کرد. در بخشی از این

بیانیه اعلام میشود:

"تنها نظامی میتواند رفاه و آزادی و برابری را برای همگان تضمین کند که مرکز و محور ارزشها و سیاستها و قوانین اش انسان و انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی باشد و نه اسلامیسیم و ناسیونالیسم و ایرانیگری و تابوها و مقدسات و تعصبات مذهبی- قومی- ملی- میهنی.

شکل گرفتن چنین نظامی در گرو تحقق چهار رکن زیر است:

الف- نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و نهادها و قوانین اش سرنگون شود و ماشین حکومتی موجود کلا در هم شکسته بشود.

ب- دولت بر آمده از انقلاب علیه نظام موجود بلافاصله اقداماتی را برای تحقق شعارها و خواستههای فوری توده مردم و تضمین و تثبیت پیروزی مردم عملی کند.

ج- همه شهروندان درشوراها متشکل بشوند و دخالت آزادانه و آگاهانه و مستقیم مردم در حکومت تضمین بشود.

د- سیستم بردگی مزدی ملغی بشود. محور سیاست اقتصادی نظام آتی باید تامین رفاه و نیازهای همه مردم باشد و نه سودآوری و ثروت اندوزی یک اقلیت سرمایه دار."

(متن کامل این بیانیه در همین شماره تجدید چاپ شده است- انترناسیونال).

این منشور تصور و تبیین رادیکال و هم جانبه ای از سرنگونی جمهوری اسلامی و در هم کوبیدن نظامی که جمهوری اسلامی پاسدار آنست، یعنی نظام بردگی مزدی تحت حاکمیت اقلیت سرمایه دار، بدست میدهد.

در یکساله اخیر جنبش سرنگونی هر چه بیشتر در همین جهت به پیش رفته است. طرح خواست تحصیل رایگان در جنبش سراسری معلمان، بهداشت و درمان رایگان در اعتراضات سراسری بازنشستگان، و طرح اداه شورای جامعه در اوج اعتصاب کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، نشانه های پیشرویهای جنبش سرنگونی در جهت منشور سرنگونی و رهائی جامعه است. مضمون بیانیه ای به اسم "بیانیه آزادی" که سال گذشته انتشار یافت و تا کنون به امضای حدود بیست هزار نفر رسیده است نیز نشانه دیگری از استقبال توده ای از تبیین و معنی چپ و رادیکال از امر سرنگونی است.

یک نمونه دیگر از تاثیرات جنبش سرنگونی طلبانه توده مردم و مضمون رادیکال و چپ آن، اعلام امکان ناپذیری هر نوع تغییر و اصلاح رژیم و خواستههای نظیر استعفای خامنه ای و گذار کامل از جمهوری اسلامی و لغو آپارتاید جنسی از جانب فعالینی است که لزوما تعلق خاطری به چپ ندارند و چه بسا تا دیروز طرفدار استحاله حکومت بوده اند. این نوع بیانیه های کنشگران، مستقل از هر تعلق جنبشی ای که داشته باشند، را باید حاصل و بازتاب جنبش سرنگونی طلبانه رادیکال و قدرتمند جاری دانست.

این نمونه ها و ده ها نمونه دیگر مبین آنست که چهار رکن منشور سرنگونی و رهائی جامعه میتواند و باید به پرچم انقلابی که در ایران شکل میگیرد تبدیل بشود. کل روند تحولات دو ساله اخیر مبین پیشروی جامعه در همین جهت است.*

منشور انقلاب و رهایی جامعه

توضیح انترناسیونال: بیانیه زیر تصویر جامع و روشنی از سرنگونی جمهوری اسلامی به روایت کمونیستها بدست میدهد. این بیانیه در جولای سال گذشته منتشر شد و انترناسیونال بخاطر گسترش گفتمان سرنگونی در جامعه به چاپ مجدد آن اقدام میکند.

روند انقلابی ای که با خیزش دیماه ۹۶ آغاز شد می‌رود تا طومار حکومت اسلامی را در هم بپیچد. در این شرایط داشتن تصویر روشنی از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و خصوصیات نظامی که باید جایگزین آن شود برای پیشروی و پیروزی انقلاب مطلقاً ضروری است. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان حکومت و جامعه ای مدرن، متمدن، انسانی و بری از هر گونه تبعیض و نابرابری از جمله تبعیضات مذهبی و قومی و ملی و جنسیتی و طبقاتی هستند. تنها نظامی میتواند رفاه و آزادی و برابری را برای همگان تضمین کند که مرکز و محور ارزشها و سیاستها و قوانین اش انسان و انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی باشد و نه اسلامیسیم و ناسیونالیسم و ایرانیگری و تابوها و مقدسات و تعصبات مذهبی- قومی- ملی- میهنی.

شکل گرفتن چنین نظامی در گرو تحقق چهار رکن زیر است:

الف- نظام جمهوری اسلامی با همه جناحها و نهادها و قوانین اش سرنگون شود و ماشین حکومتی موجود کلا

در هم شکسته بشود.

ب- دولت بر آمده از انقلاب علیه نظام موجود بلافاصله اقداماتی را برای تحقق شعارها و خواستههای فوری توده مردم و تضمین و تثبیت پیروزی مردم عملی کند.

ج- همه شهروندان درشورها متشکل بشوند و دخالت آزادانه و آگاهانه و مستقیم مردم در حکومت تضمین بشود.

د- سیستم بردگی مزدی ملغی بشود. محور سیاست اقتصادی نظام آتی باید تامین رفاه و نیازهای همه مردم باشد و نه سودآوری و ثروت اندوزی یک اقلیت سرمایه دار.

الف: معنی سرنگونی حکومت اسلامی

۱- خلع ید حاکمین کنونی از قدرت اعم از ولی فقیه، رئیس جمهور و همه مقامات دولتی ۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند. پیگرد بین المللی مقامات جنایتکار فراری حکومت.

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت

۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

ب: اقدامات فوری دولت برآمده از انقلاب

دولت برآمده از انقلاب بمنظور تحقق خواست های فوری مردم و جلوگیری از

بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر، ممانعت از هر نوع توطئه و هجوم دولتهای ارتجاعی دیگر علیه انقلاب مردم، و برای ایجاد شرایطی که مردم بتوانند آگاهانه، آزادانه و در شرایط امن نظام حکومتی آتی را انتخاب کنند باید اهداف زیر را فوراً عملی کند:

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی ۲- لغو مجازات اعدام. ۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسیمت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، گرایشات جنسی، ملیت و تابعیت

۷- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه

دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند، بازگرداندن اموال و دارایی های به سرقت رفته کشور که توسط سران و مقامات حکومتی به خارج

کشور برده شده و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری مبرم ترین نیازهای رفاهی جامعه.

افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.

ج: دخالت مستقیم مردم در حکومت و اداره جامعه با بیزیر کشیدن جمهوری اسلامی توده مردم نباید صحنه سیاست را ترک کنند. متشکل شدن مردم در شوراها و اعمال اراده آنها در سیاست و حاکمیت یک شرط ضروری برای رهایی جامعه از هر نوع ستم و تبعیض و بیحقوقی است. حکومت آتی باید حکومتی شورائی باشد.

د: امحای سیستم بردگی مزدی

سوداندوزی و بهره کشی و بردگی مزدی با رفاه و آزادی و خوشبختی اکثریت قریب باتفاق مردم در ایران و در همه جا مغایر است. رفاه توده مردم با حفظ نظام سرمایه که در ایران و همه کشورها بجز ریاضت کشی اقتصادی و گرانی و بیکاری ارمانی برای مردم ندارد، امکان پذیر نیست. از نظر سیاسی و اجتماعی نیز بیحقوقی و بی اختیاری توده مردم از ویژگیهای ساختاری نظام

سرمایه داری در همه کشورها است. مشخصاً در ایران فقر و محرومیت و دیکتاتوری و توحشی که در چهار دهه گذشته جامعه را به صلابه کشیده از ملزومات حفظ سلطه سرمایه است. نباید اجازه داد این شرایط این بار تحت لوای دیگری، مثلاً ملی گرایی و ناسیونالیسم بجای اسلامیسیم، ادامه پیدا کند.

انسانیت و مدرنیسم و آخرین دستاوردهای تمدن بشری، و آزادی و برابری و رفاه همه شهروندان، باید در محور نظام

سیاسی و اقتصادی ایران قرار بگیرد و این یعنی نظام آتی باید نظامی سوسیالیستی باشد.

حزب کمونیست کارگری برای کسب قدرت سیاسی و تحقق ارکان فوق مبارزه میکند. هدف ما برپائی جمهوری سوسیالیستی در ایران است. جمهوری سوسیالیستی مورد نظر ما، نظامی است با بالاترین سطح رفاه عمومی، بیشترین آزادیهای سیاسی و اجتماعی و مدنی، عاری از هر نوع تبعیض و نابرابری، با مرزهای باز بروی دنیا و تنش زدائی و سیاست مسالمت آمیز با همه کشورها در منطقه و در جهان، و مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی و فرهنگی و اجتماعی و فلسفی و هنری جامعه بشری که امروزه در غرب نمایندگی میشود. مبنای اقتصاد و سیاست و فرهنگ در جمهوری سوسیالیستی انسانیت و ارزشهای جهانشمول انسانی است. این سیاستها با دخالت مستقیم و متشکل همه شهروندان در سیاست و اداره امور جامعه به پیش برده میشود. جمهوری سوسیالیستی از نظر ساختار حکومت مبتنی بر شوراهای مردم است.

ما خواهان در هم کوبیدن جمهوری اسلامی و هر نوع حکومت مافوق مردم، دخالت مستقیم و مستمر همه شهروندان در حکومت، و امحای سیستم بردگی مزدی هستیم و همه نیروهای چپ و انقلابی، مردم آزادیخواه و سرنگونی طلب و همه فعالین جنبش های برابری طلبانه و ضد تبعیض را به مبارزه برای تحقق مفاد این منشور و به پیوستن به صفوف حزب فرامیخوانیم.*

کارگران در هفته ای که گذشت

"معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"

فراخوان ۲۱ تشکل صنفی و گروه تلگرامی بازنشستگان و معلمان به تجمع

تا کنون ۲۱ نهاد مرکب از تشکلهای صنفی و گروهایی تلگرامی بازنشستگان و معلمان برای پیگیری خواستههایشان برای ساعت ده صبح روز ۴ شهریور به تجمع در مقابل وزارت کار فراخوان داده اند. استقبال از این حرکت اعتراضی گسترده است و اسامی تشکلهای و گروههای تا کنونی که به این فراخوان پیوسته به قرار زیر است: شورای سراسری بازنشستگان ایران، اتحاد بازنشستگان، گروه صنفی بازنشستگان پارک شهر و پارک اندیشه، پیشکسوتان فرهنگی ایران، گروه صنفی پیشکسوتان بوشهر، گروه بازنشستگان فرهنگی تهران، گروه معلمان عدالتخواه، فقر نشستگان طبرستان، بازنشستگان بافنده سوزنی، بازنشستگان فلزکارمکانیک، اتحادیه فرهنگیان ودانش آموزان و دانشجویان و بازنشستگان کشور، گروه دانشجویان ودانش آموزان متحد ایران انجمن های صنفی معلمان در استانهای کرمانشاه، گیلان، مازندران، اصفهان و فارس، مجمع فعالان صنفی دولتی، فعالین صنفی البرز، فعالین صنفی آذربایجان شرقی، کمپین ده هزار نفری پیگیری منطقه جنگی بازنشستگان استان کرمانشاه اعتراض بازنشستگان به گران تر شدن روزافزون



شهلا دانشفر

قیمتها و کاهش هر روزه قدرت خریدشان و به تبعیض و نابرابری و کل این بساط دزدسالار است. بیانیه های بازنشستگان هدف و خواستههای آنان در برگزاری این تجمع بزرگ سراسری را بیان میکنند. از جمله در بخشی از بیانیه شورای بازنشستگان ایران در بیان هدف و ضرورت این تجمع چنین آمده است: "اختلاسهای میلیاردری از جیب ما به یک پروژه سریالی تبدیل شده و یک درصدی ها چنگال خود را بر همه منابع زیستی ما فرو برده اند. بیکاری و تورم و گرانی برای ما غیرقابل تحمل شده، گویا آنان ثروت ملی را ارث پدری خود دانسته و ما را به غلط و متوهمانه، میهمانان ناخوانده ای فرض کرده اند که هیچگونه حق و حقوقی نداریم. پس این ترازوی نامیزان را کسانی میزان خواهند کرد که تحت فشار روزافزون معیشتی به تنگ آمده و خوب میدانند که این زندگی پرمشقت، جهنمی تحمیل شده به اکثریت مردم جامعه است پس باید راه افتاد و کاری کرد که دستان مرگبار هزار فامیل، از منابع عمومی کوتاه گردد. اگر من و تو بخواهیم، قطعاً خواهیم توانست و این بساط ناعادلانه را برهم خواهیم زد!". تاکید این فراخوان بر تجمع متحد و همبسته علیه گرانی و سقوط معیشت است. گروه اتحاد بازنشستگان نیز طی بیانیه ای تحت عنوان

"فرباد بازنشسته، نان، رفاه، آزادی" به تجمع برای روز ۴ شهریور فراخوان داده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "مستولان و متولیان دولتی کماکان با توسل جستن به ابزار قدرت خود، فشاری مضاعف بر زندگی بازنشستگان وارد می کنند و سیاست در تنگنا قراردادن بازنشستگان را به اجرا می گذارند. ما به سیاستی که سطح زندگی و معیشت بازنشستگان را مورد تهاجم قرار می دهد معترض هستیم. باز هم متحد و یک صدا، مطالبات مسلم و قانونی فراموش شده خود را فریاد می زنیم. این اوضاع اسفبار معیشتی - زیستی را نه شایسته شأن انسانی خود می دانیم و نه قابل تحمل می باشد."

در همین راستا فراخوان دیگر از سوی تشکل صنفی معیشتی بازنشستگان کشوری تحت عنوان "بازنشستگان و پیشکسوتان ما درد مشترکیم" منتشر شده است. در این بیانیه به فقر، گرانی، حقوقهای نجومی، بیمه ناکارآمد و بازداشت معلمان بخاطر اعتراضشان به سیستم آموزشی و ذغدغه معیشتی شان اعتراض شده و در بخش آخرش چنین آمده است: "پس پیشکسوتان و بازنشستگان رنج دیده برای گرفتن حق پایمال شده خود همراه شوید."

یک جنبه مهم تجمع سراسری بازنشستگان برای روز ۴ شهریور اعلام خواستههای روشن آنهاست. خواستههایی که دو وجه دارد. وجهی از آن خواستههای معیشتی آنهاست. از جمله بازنشستگان بر بالا بردن سطح حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیونی و افزایش سالانه آن متناسب با نرخ

تورم واقعی، تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان و بیمه کارآمد، تامین مسکن مناسب، بازگرداندن شدن پولهای به سرقت رفته به صندوق های بازنشستگی و قرار گرفتن آنها تحت نظارت خودشان و تسهیلات فرهنگی، ورزشی و تفریحی برای تمام بازنشستگان تاکید کرده اند. طرح این خواستها از سوی بازنشستگان با تاکید بر حق داشتن زندگی ای انسانی یک پیشروی مهم در مبارزات آنان و کل جامعه است.

وجه برجسته دیگر بیانیه های بازنشستگان تاکید آنان بر آزادی های وسیع سیاسی در سطح جامعه از جمله به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل موجود و داشتن حق تشکل، حق تجمع، حق اعتصاب و آزادی بیان فارغ از هر گونه امنیتی کردن است. بازنشستگان در کنار این خواستها خواستار آزادی بدون قید و شرط و بدون وثیقه کارگران، معلمان، دانشجویان و تمامی فعالین سیاسی شده اند. این چنین است که بار دیگر بازنشستگان پیشتاز مبارزه علیه فقر و بی حرمتی انسان و علیه سرکوب و زندان بوده و بر داشتن یک زندگی انسانی فارغ از هر گونه تبعیض طبقاتی تاکید دارند.

بازنشستگان صدای اعتراض جامعه ای هستند که کل بساط سرمایه داری وحشی حاکم را دارند به چاش میکشند و با شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست هر روز بیشتر به جلو گام بر میدارند. از مبارزات و خواستههای بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

ما مخالف طرح

فاشیستی جمع آوری

کودکان کار هستیم

این شعاریست که از سوی

گروههای مختلفی از کوه نوردان علیه طرح فاشیستی جمهوری اسلامی و جمع آوری کودکان کار در شهرهای مختلف برافراشته شده است. این صدای اعتراض جامعه علیه فاشیست اسلامی و طرح های جنایتکارانه اش علیه کودکان کار این قربانیان سرمایه داری وحشی و فاشیست حاکم است. این حرکت ادامه کارزاری است که با طوماری تحت عنوان "نه به جمع کردن کودکان کار" به راه افتاد و نزدیک به دو هزار نفر آنرا امضاء کردند و 52 نهاد مستقل دفاع از حقوق کودک به آن پیوستن. در رابطه با همین موضوع کمپین برای آزادی کارگران زندانی و نهاد کودکان مقدمند کارزاری جهان اعلام داشته است که در زیر بخشی از بیانیه ای کارزار را میخوانید. به این کارزار بپیوندید و صدای کودکان کار در سطح جهان باشیم. "ما بعنوان کمپین برای آزادی کارگران زندانی کودکان مقدمند همگام با این اعتراضات کارزار متوقف کردن طرح "جمع آوری" کودکان را در سطح جهانی اعلام کرده و بر نکات زیرتاکید دارند:

۱- ما طرح غیر انسانی جمع آوری خشونت آمیز و اجباری کودکان در ایران را قاطعانه محکوم میکنیم. اجرای این طرح باید فوراً متوقف شود.

۲- اجرای سیاست جمع آوری کودکان کار و خیابان، رد مرز کردن کودکان کار و خیابان افغانستانی، سیاسی تماماً فاشیستی است و برابر با زیر پا گذاشتن کنوانسیونهای بین المللی در قبال حقوق کودک است. اجرای این سیاست از سوی جمهوری ادامه در صفحه ۶

از صفحه ۵

کارگران در ...

اسلامی تاکیدی بیشتر بر اخراج آن از سازمان جهانی کار و تمامی نهادهای بین المللی است.

۳- ما از کارزار معلمان برای حق تحصیل رایگان برای همه کودکان قاطعانه حمایت میکنیم. دولت در قبال زندگی و معیشت کودکان کار و خانواده هایشان مسئول است. ۳- همه کودکان مستقل از وضعیت خانواده و محل تولد و جنسیت و امثال اینها، باید از امکان واقعی تحصیل رایگان و زندگی امن و شاد برخوردار شوند. کودکان نباید مجبور به کار برای تامین معیشت خود و خانواده هایشان شوند. وسیعا به این کارزار بیونیدید."

دزدی و رانت خواری تحت عنوان خصوصی سازی

سیستم اقتصادی رژیم اسلامی سیستمی متکی بر چپاول و دزدی و رانت خواری است. در این سیستم باندهای حکومتی تشکیل دهنده نهادها و باندهای مافیایی مستقیما اقتصادی و مالی هستند و ماشین دولتی ابزار حفظ و تداوم سلطه گری اقتصادی آنان بر گرده کل جامعه است. در این سیستم مقامات حکومتی خود از سرمایه داران کلان و مافیایی هستند که قوانین، دستگاه قضایی و کل بساط زندان و سرکوب و دم و دستگاه دولت را در خدمت دارند. این گونه است که اقتصاد عرصه رقابت باندهای مختلف حکومتی بر سر رانت خواری ها و چپاولگری هایشان بوده و مراکز قدرت نیز متعدددند و یک نزاغ دائمی آنان با یکدیگر نزاع بر سر دزدی ها و چپاول هایشان است. بدین ترتیب دزدی، فساد و ارتشاء،

ساختاری و جزئی جدا نشدنی از کارکرد اقتصاد این حکومت است. در این میان این زندگی و معیشت مردم است که دارد در چنگال مافیای اقتصادی حاکم و چپاولگری هایشان له میشود. در این سیستم نه فقط جنگلها و مزارع، نه فقط منابع نفت و ثروت های جامعه، بلکه دستمزد کارگران را به سرقت میبرند و این زندگی و معیشت مردم است که هر روز مورد غارت و چپاول قرار میگیرد. و این چنین است که استثمار به نقطه بی نهایتش رسیده و وحشی ترین و هارترین سرمایه داری بر اریکه قدرت است.

در برابر چنین سیستمی است که شعار علیه اختلاس ها، شعار علیه یک درصدی های حاکم و علیه بساط سرکوب و جنایتشان هر روز بیشتر به شعار کف خیابان تبدیل شده است. در برابر چنین سیستمی است که کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو و مردم معترض با شعارهای اعتراضی شان کل بساط سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند و اعتراض علیه اختلاس ها و دزدی ها یک محور مهم اعتراضات آنان را تشکیل میدهد. و در همین راستاست که بازنشستگان در تدارک برای تجمعات اعتراضی بزرگشان کیفرخواست خود را علیه این بساط دزدسالار حاکم اعلام کرده اند. یک نمونه از این کیفرخواست ها بیانیه شورای بازنشستگان ایران تحت عنوان "خصوصی سازی ها وفلاکت عمومی در سایه ی دولت های رنگارنگ!!" است. بازنشستگان در این بیانیه همدستی کل باندهای حکومتی در دزدی ها و اختلاسگری ها و چپاول و زندگی شان را به چالش کشیده و عزم خود را برای

برهم زدن این قرار ناعادلانه اعلام کرده و مینویسند: "همه جناح ها به یک اندازه در لفت و لیس ها سهیم بوده اند: خصوصی سازیها از "سردار سازندگی" کلید خورد! هپکو زمان «احمدی نژاد» غارت شد و هفت تپه زمان «روحانی». «املاک نجومی با نظارت قالیباف» «اصولگرا» نصیب اعضای شورای شهر شد! و رشت الکتریک سهم «اصلاح طلبان». «صنعت پتروشیمی «موتلفه ای» «ها هست!

الان که ابعاد این موضوع بیشتر روشن شده، در غیاب تشکل های صنفی واقعی و سرکوب جامعه، یک درصدی ها شرایطی فراهم کرده اند که حلقه های قدرت اعم از اصلاح طلب، اصولگرا و مستقل در همه نهاد ها و همچنین افراد با نفوذ نزدیک به این دایره قدرت، در یک توافق جمعی، به اموال دولتی و عمومی دستبرد زده و پروژه غارت و تملک این اموال را زیر پوشش خصوصی سازی استارت و برای رنگ و لعاب دادن و رسمیت بخشیدن و تضمین این چپاول، قوانینی را سرهم بندی کرده و با خیال راحت، آنچه را که در این سرزمین بعنوان اموال دولتی و غیر خصوصی بود، بر بستر یک مناسبات متکی به رانت و نفوذ سیاسی، امنیتی، قضائی و بده بستان های متقابل، به تملک خود درآوردند. صندوقهای ما بازنشستگان نیز که در کل ملک و مال "خودیها" بوده! گویا سهم ما بنا به اذعان مقسمین، قرار بوده که "لنگ یمنی و نون خشک باشد"!! ما این قرار ناعادلانه را بر هم میزنیم!

بیانیه ۱۱۱ معلم و عضو کانون های صنفی معلم در اعتراض به بازداشت ها
روز ۲۷ مرداد ۱۱۱ معلم و

عضو کانونهای صنفی معلمان طی بیانیه ای در اعتراض به بازداشت ها خواستار آزادی بدون قید و شرط تمامی معلمان، زنان، کارگر، دانشجویین و فعالین سیاسی در بند شدند. در این بیانیه معلمان اعتراض خود را به در بند بودن همکارانشان، به احضارها و پرونده سازیها و دور جدید سرکوبگریهای حکومت اسلامی اعلام کرده اند. در این بیانیه از جمله به نمونه های اخیر این دستگیری ها نظیر بازداشت هوشنگ کوشکی یکی از معلمان در لرستان و نیز دستگیری هاشم خواستار از معلمان معترض شناخته شده در خراسان در بیستم مرداد ماه همراه با تعدادی دیگر از فعالین اجتماعی اشاره شده است. این بیانیه یک اقدام سیاسی مهم است که در آن معلمان در برابر سرکوبگری های حکومت قد علم کرده و در آن بر دو خواست مهم زیر تاکید شده است:

"ما باور داریم تحصن، تجمع، اعتصاب و هر شکلی از اعتراض مدنی حق مسلم تمام شهروندان است و بخشی از آزادی های اجتماعی و حقوق شهروندی است. ما خواهان آزادی بدون قید و شرط تمام معلمان، زنان، کارگران و دانشجویان و فعالان سیاسی و مدنی از زندان هستیم که در یک روند ناعادلانه محاکمه و زندانی شده اند. ما معتقدیم اگر دادرسی عادلانه باشد بسیاری از زندانیان فعلی باید آزاد و دزدان و اختلاسگران و مسئولان فاسد زندانی گردند."

این چنین است که جامعه با گفتمان آزادی های سیاسی پایه ای به جلو آمده و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی

میشود. این چنین است که جامعه متشکل و متحد علیه سرکوبگریهای حکومت ایستاده است.

ادامه بازداشت مریم محمدی و اسرین در کاله دو فعال دفاع از حقوق زن

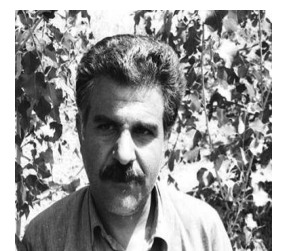
مریم محمدی فعال و اسرین در کاله دو فعال دفاع ندای زنان ایران و سواد آموز کودکان کار و زنان خانه دارد به ترتیب در روزهای هفدهم تیر و ششم مرداد بازداشت شدند. آنها در بند عمومی زنان در اوین بسر میبرند. در رابطه با دستگیری آنها در گروه تلگرامی ندای زنان ایران چنین آمده است: "این دو فعال حقوق زنان و از اعضای "ندای زنان ایران" به جرم خواسته های انسانی و ابراز حقوق شهروندی خود روزها و هفته هاست که در زندان اوین بسر میبرند. خواسته های این دو فعال اجتماعی شامل: - درخواست رفع تبعیض جنسیتی و نابرابری برای زنان، درخواست هویت شهروندی برابر، رفع تفکیک جنسیتی، درخواست لغو خشونت علیه زنان و ایجاد امنیت در برابر وقوع تعرض و خشونت، لغو حجاب اجباری، حفظ حرمت و شان انسانی زنان، درخواست بیمه رایگان و کارآمد برای همه، درخواست تحصیل رایگان برای همه بوده است." ندای زنان ایران با درج این پست و اعلام اینکه پاسخ مطالبات زنان پرونده سازی نیز و جنبش مطالباتی زنان یک واقعیت عظیم اجتماعی است بر آزادی فوری و بدون قید و شرط مریم محمدی و اسرین در کاله تاکید کرده است. در کنار ندای زنان ایران بایستیم و خواستار آزادی فوری مریم محمدی و اسرین در کاله و تمامی زندانیان سیاسی شویم.*

گفتگوی نسان نودینیان با مینا احدی در مورد مراسم گرامیدشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز

به منظور معرفی مراسم گرامیداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز در سی امین سالگرد ترور این دو چهره سرشناس و محبوب بدست تروریستهای حکومت اسلامی ایران، نسان نودینیان با مینا احدی گفتگوی کوتاهی در ارتباط با اهمیت این مراسم، اهداف و فراخوان مینا احدی علیه تروریسم و اعدام در جمهوری اسلامی داشته است. در این گفتگو به سابقه تاریخی «سنگهای سکندری» پرداخته نمیشود. در اطلاعیه گرامیداشت مراسم به سابقه تاریخی «سنگهای سکندری» اشاره کافی شده است. از مینا احدی در باره اهداف برگزاری مراسم گرامیداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز پرسیده میشود. ابتدا معرفی کوتاهی در مورد صدیق کمانگر و غلام کشاورز.

صدیق کمانگر

در تیرماه سال ۱۳۵۷ در حمایت و پشتیبانی از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در



زندادان شهر سنندج اولین تحصن در ساختمان دادگستری این شهر را سازمان داد.

او در سال ۱۳۵۷ به عضویت هیات مرکزی کانون وکلا و جمعیت حقوق دانان ایران در آمد و در تشکیل کانون معلمان شهر سنندج نیز نقش فعالی بر عهده گرفت. صدیق یکی از موسسین اصلی جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در شهر سنندج و سخنگو و مسئول آن بشمار می آمد.

در ۲۸ بهمن ماه به ابتکار مبارزین انقلابی و مردم شهر سنندج، شورای موقت شهر سنندج تشکیل شد و صدیق کمانگر وظیفه سخنگو و مسئول این شورا را بر عهده گرفت.

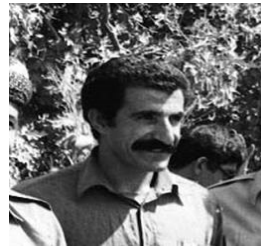
صدیق کمانگر چهره درخشان و مبارز با سابقه ای جنبش کمونیستی، یکی از سرشناس ترین و محبوب ترین رهبران توده های مردم در کردستان، آژیتاتور و سخنگوی برجسته توده ای و از کادرهای بنیانگذار حزب کمونیست ایران بود. صدیق کمانگر در کنگره موسس حزب کمونیست ایران شرکت داشت و از بنیانگذاران این حزب بود.

رفیق صدیق کمانگر ساعت ۲ نصف شب ۱۳ شهریورماه سال ۱۳۶۸ خورشیدی و دو روز بعد از سخنرانی تاریخی در سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران که کارگران را فراخواند که "این حزب، حزب شما است آترا به دست بگیرید"، در محل کارش در یکی از مقرات نظامی کومه له در نزدیکی شهر رانیه در کردستان، توسط مزدوری که در صفوف پیشمرگان کومه له از جانب رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی سازماندهی شده بود،

ترور و یک ساعت بعد جان باخت.

بهمن جوادی (غلام کشاورز)

سال ۱۳۵۸، به سازمان



اتحاد مبارزان کمونیست پیوست. در شهریورماه سال ۱۳۶۱ در کنگره اتحاد مبارزان کمونیست شرکت کرد و پس از آن به عضویت در کمیته اصفهان این تشکیلات برگزیده شد. غلام کشاورز در زمستان سال ۱۳۶۱ به مناطق آزاد کردستان رفت. در کنگره موسس حزب کمونیست ایران شرکت کرد و از بنیان گذاران این حزب بود. غلام کشاورز از بنیانگذاران "فدراسیون سراسری پناهندگان" در اروپا، بود.

در روز ۴ شهریور ۱۳۶۹ در حالیکه پس از ۸ سال قصد دیدار مادر و برادرش را داشت توسط تروریستهای رژیم اسلامی در قبرس با سه گلوله در برابر چشمان مادر، برادر، همسرش مورد اصابت قرار گرفت. رفیق غلام کشاورز ساعتی بعد در بیمارستان مرکزی لاناکای قبرس بر اثر خونریزی زیاد و گلوله های که به مغزش اصابت کرده بود جان باخت.

۳۰ سال از ترور صدیق کمانگر و غلام کشاورز که بدست جنایتکاران جمهوری اسلامی ترور شدند، گذشته است.

کمپین سنگهای سکندری در دومین برنامه این کمپین، یاد غلام کشاورز و صدیق

کمانگر دو تن از درخشان ترین چهره های جنبش کمونیستی و آزادیخواهانه مردم ایران و کردستان را گرامی میدارد.

نسان نودینیان: برگزاری گرامیداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز اقدامی اجتماعی و سیاسی است.



تروریسم و اعدام رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جان عزیز ده ها هزار نفر را گرفته. هزاران نفر در ۴ دهه گذشته ترور و یا اعدام و یا در جبهه های نبرد علیه جمهوری اسلامی جانباخته اند. توقع شما از مخالفین جمهوری اسلامی برای هر چه با شکوهتر برگزاری و شرکت در مراسم گرامیداشت چیست؟

مینا احدی: ما در دومین برنامه گرامیداشت یاد جانباختگانی که بدست حکومت اسلامی ایران کشته



شده اند، یاد دو چهره برجسته در جنبش مبارزات مردم ایران و کردستان را گرامی میداریم، که از همان روز اول در مقابل این حکومت ایستاده و نام و یادشان و تاثیرات آنها در مبارزه مردم ماندگار و جاودانه است. کمپین

سنگهای سکندری اساسا با هدف ثبت و حک کردن نام همه عزیزانی است که در دوره سیاه چهل ساله حکومت اسلامی یا در زندانها در دهه شصت و بعد از آن اعدام و کشته شده اند و یا در ایران و خارج کشور قربانی ترورهای جمهوری اسلامی شده اند. ما میخواهیم با این کمپین بعد از سرنگونی حکومت اسلامی در مقابل درب منازل این عزیزان سنگی نصب کنیم با اسم و مشخصات آنها و تاریخ ترور بدست جلدان جمهوری اسلامی. سنگهای سکندری برای جاودان کردن نام این عزیزان است و ما این بار نام دو قهرمان مبارزات مردم را گرامی میداریم. دو کمونیست که از آزادی و رفاه و خوشبختی برای همه مردم دفاع کرده و تمام زندگی خود را وقف مبارزه در راه این آرمان مهم و صرف تغییر در زندگی مردم کردند. صدیق کمانگر چهره شناخته شده در بین مردم کردستان ایران است اما بنظر من هنوز باید در مورد نحوه فعالیت او، تاثیرات او در مبارزه مردم کردستان در دهه پنجاه و شصت و و در مورد شیوه و سبک کار او و نحوه سازماندهی مردم و ... بسیار بیش از اینها صحبت کرد. بنظر من با بررسی زندگی و نوع فعالیت های غلام کشاورز نسل جوان امروز ایران میتواند با چهره های شاخص جنبش کمونیستی ایران آشنا شده و از آنها بسیار بیاموزند. یک هدف این برنامه معرفی دقیق تر این دو چهره شاخص و محبوب به نسل جوان و مردم ایران است.

نسان نودینیان: قطعا برگزاری گرامیداشت صدیق کمانگر و غلام کشاورز در سی ادامه در صفحه ۸

از صفحه ۷

گفتگوی نسان نودینیان با مینا احدی

امین سالگرد ترور آنها در شرایط سیاسی کنونی و اهدافی که شما برشمردید تأثیرات معینی دارد و تأکیدی است بر محکومیت تروریسم جمهوری اسلامی. این دومین اقدام کمپین سنگهای سکندری است. در صورتیکه همچنانکه اشاره شد هزاران نفر توسط رژیم قاتل و هار جمهوری اسلامی اعدام و ترور شده اند. فراخوان شما برای توده ای کردن «کمپین سنگهای سکندری» را بگویید!

مینا احدی: بنظر من برگزاری باشکوه این برنامه ها و حضور تعداد هر چه بیشتری از عزیزان در این برنامه ها بسیار مهم است. ما باید نشان دهیم که با رشد مبارزات مردم در ایران، چهره ها و شخصیت های محبوب خودمان را روی دست بلند کرده و یاد آنها را گرمی میداریم و به مبارزات و فعالیتهای فداکاریهای آنها ارج می نهیم و نه فقط این بلکه از آنها یاد میگیریم و راهشان را ادامه میدهیم. ما باید به جمهوری اسلامی ایران نشان دهیم که در شرایطی که مورد نفرت عظیم مردم ایران هست و روز مرگش نزدیکتر میشود، مردم ایران نه می بخشند و نه فراموش میکنند، بلکه با برپایی دادگاههای مردمی و عادلانه، به بررسی این روند دردناک در زندگی خود خواهند پرداخت و همه این ترورها و جنایات را بررسی کرده و عاملین و آمرین را محاکمه و مجازات خواهند کرد و با بررسی دقیق جزئیات این ترورها و معرفی کردن آن به افکار عمومی بین المللی

خواهند کوشید جلوی تکرار این فجایع در همه جا گرفته شود.

نسان نودینیان: این دومین اقدام کمپین سنگهای سکندری است. همچنانکه اشاره شد هزاران نفر توسط رژیم قاتل و هار جمهوری اسلامی اعدام و ترور شده اند. فراخوان شما برای توده ای کردن «کمپین سنگهای سکندری» چیست؟

مینا احدی: فراخوان من به مردم ایران اینست که بتدریج باید این برنامه ها را در ایران برپا کرد. من قبلا از جوانان خواستم که در مقابل درب منازل اعدام شدگان و جان باختگان فیلم تهیه کنند و برای ما بفرستند و بگویند در اینجا یک نفر زندگی میکرد، یک نفر که آمل و آرزوهای داشت، یک نفر که عشق میورزید و در راه بهبود زندگی همگان تلاش میکرد، او را در زندان و یا در زیر شکنجه کشتند، نامش گرمی است. با جمع شدن این ویدئو کلیپها ما میتوانیم یک بانک اطلاعاتی داشته باشیم از اسامی و محل قتل این عزیزان و بنظر من با بهم ریختن اوضاع در ایران و رشد مبارزات مردم میتوان در مقابل درب این منازل تجمع کرد، ترور و اعدام را محکوم کرد و خواهان محاکمه سران رژیم اسلامی شد. این واقعه بزودی اتفاق خواهد افتاد و من از هم اکنون از همگان دعوت میکنم که با پیوستن به این کمپین کاری کنند که ما در سراسر ایران با حک کردن نام عزیزان خودمان ابتدا از طریق دوربین و فیلم و سپس با نصب سنگ سکندری یادشان را در تاریخ و در قلبها حک کنیم.

نسان نودینیان: تشکر صمیمانه!

جنگ آیت الله ها و بحران حکومت اسلامی! "چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من!"

جنگ افشاگرانه دیگری در میان باندهای درون حکومت اسلامی آغاز شده است. این بار دو آیت الله بسیار دانه درشت درگیر هستند. شیخ محمد یزدی و شیخ صادق لاریجانی.

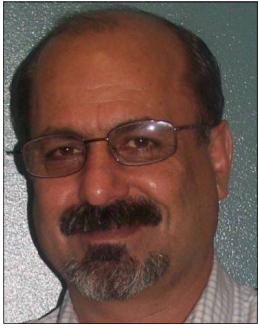
محمد یزدی رئیس اسبق قوه قضاییه و دبیر فعلی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم است. صادق لاریجانی رئیس سابق قوه قضاییه و رئیس فعلی مجمع تشخیص مصلحت است. هر دو آیت الله برای دوره ای طولانی رئیس قوه قضاییه بودند و سرنوشت میلیونها انسان در دستشان بود که با آن بازی کنند. هر دو در دوره صدارتشان بر قوه قضاییه پرونده سنگینی از فساد و آدمکشی دارند و هر دو البته منصوب خامنه ای و مورد حمایت کامل ولی فقیه بوده اند. آری دو آیت الله دزد و جانی دارند خرخره همدیگر را میچونند!

یزدی لاریجانی را به فساد اقتصادی متهم کرده است و اینکه نظام را تهدید کرده اگر رئیس اجرایی دفترش که متهم به فساد است آزاد نشود به نجف خواهد رفت. او را همچنین متهم کرده است که به نام مدرسه علمیه با پول بیت المال کاخ درست کرده است و غیره.

در متن تنش میان این دو آیت الله جانی، مجددا پرونده فساد خانواده لاریجانی رو آمده است: اینکه خود شیخ صادق قبلا زمینهای مردم در اطراف قم را بالا کشیده است؛ اینکه برادرش جواد لاریجانی 342 هکتار زمینهای مردم در ورامین را تصرف کرده است؛ اینکه بعد از این تعدی به حقوق مردم خامنه ای شیخ

صادق را به ریاست قوه قضاییه منصوب کرده است و او هم اخوی زمینخوارش را به دبیری "ستاد حقوق بشر قوه قضاییه" منصوب کرده است! در کنار اینها حتما شما ویدیوی کارچاق کنی فاضل لاریجانی با دادستان آدمخوار تهران یعنی سعید مرتضوی و رئیس وقت سازمان تامین اجتماعی را دیده اید که در آن ایشان میگوید یک پرونده فساد اقتصادی را به کمک اخویها راست و ریست کرده است و در مقابل آن از مرتضوی میخواهد آپارتمان ناقابل را در اختیارش بگذارد! فراموش نکنید که رئیس همین قوه قضاییه با افتخار اعلام میکند که قوه زیر نظرش هر سال ۱۵ میلیون پرونده قضایی را بررسی کرده است. در سیستم قضایی جمهوری اسلامی چنین ادعایی یعنی چه؟ یعنی اینکه هر سال ۱۵ میلیون انسان مورد تعرض و تعدی و تجاوز این دستگاه قضایی قرار گرفته اند. تعجب نکنید که این قاضی القضاات حکومت اسلامی ۶۳ حساب بانکی شخصی دارد که معلوم شده است منبع مالیش از سود وثیقه های سنگین انسانهای ستم دیده ای تامین میشده است که مربوط به این ۱۵ میلیون پرونده هستند.

جالب است بدانید که در طول دهسالی که شیخ صادق در راس یکی از مخوفترین دستگاههای حکومتی ستم سازمانیافته بر مردم را پیش میبرد است، همیشه مورد مهر و محبت و تایید "پدرخوانده" بوده است. ایشان ده سال نمره بیست از جانی اصلی گرفته است.



محسن ابراهیمی

حالا این آیت الله با این مشخصات توسط آیت الهی دیگر با مشخصات مشابه مورد تهاجم قرار گرفته است. پاسخ آیت الله متهم یعنی صادق لاریجانی قابل انتظار است. فورا فساد اقتصادی شیخ محمد یزدی به میان آمد. اینکه او با چه شیادی توانسته است به نام راه انداختن مدرسه علمیه برای خواهران کل دم و دستگاه لاستیک دنا را بالا بکشد و در بازار بورس بفروشد و ...

اما اطلاعات لاریجانی از فساد همپالکیهایش زیاد است و برای تهدید متقابل چه موقعی بهتر از الان که از بیت خامنه ای و اطلاعات سپاه و صدا و سیما و کیهان شریعتمداری یک حمله سازمانیافته علیه او شروع شده است:

"بنده سینه ام خزانه الاسرار اتهامات مجموعه ای از معاونان، قائم مقامان و آقازاده های مسئولان و شخصیت هاست." و بی دلیل نیست که لاریجانی این تهدیدش را با یک هشدار خاتمه میدهد: "چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من!" دارد به همدستانش میگوید که بهتر است گلوی همدیگر را ول کنیم و الا مردم کمین کرده در صدد هستند گلوی همه مان را باهم بگیرند و باهم به حیات سیاسیمان نقطه پایان بگذارند!

ادامه در صفحه ۹

از صفحه ۸

جنگ آیت الله ها و بحران حکومت اسلامی!

این یک وجه مهم مسئولیت مقامات حکومتی مخصوصاً قوه قضاییه و دادگاهها و نهادهای امنیتی حکومت اسلامی است که فساد و جنایت و دزدی و کثافت همدیگر را لاپوشانی کنند و لاریجانی هم تا الان همین کار را کرده است و میتواند امروز رقیب در باند دیگر را با ارجاع به مخزن اسرار در سینه اش بترساند. او در واقع به باندهای رقیب یادآوری میکند و هشدار میدهد که باهم جنایت کرده اند، باهم چپاول کرده اند، باهم دزدیده اند و به این ترتیب همه شان در راه انداختن یک ساختار تا مغز استخوان فاسد مسئولیت دارند و از همدیگر خبر دارند و اگر زیاده روی کنند او هم مجبور است مخزن اسرار را باز کند.

همین امروز این خبر در سطح وسیع پخش شد که صادق لاریجانی اسناد ویدیویی فساد بیت خامنه ای، مخصوصاً مجتبی خامنه ای را به دفتر خامنه ای ارسال کرده است و تهدید کرده است اگر خودش و دخترش و خانواده اش بازداشت شوند همه این اسناد فساد منتشر خواهند شد!

به خاطر بیاورید که در حکومت اسلامی رئیس جمهور، قاضی و قانونگذار و وکیل مجلس و مقام امنیتی را نمیتوانید اسم ببرید که مخزن الاسرار فساد باندهای رقیب نباشد. تهدیدهای رفسنجانی و خاتمی در باره سکوت به خاطر مصلحت نظام و بگم بگم های احمدی نژاد را کسی

فراموش نکرده است. اینها چهل سال است با رجوع به اطلاعاتشان از جنایات و فساد همدیگر گروکشی میکنند و سکوت را با سکوت معامله میکنند تا نظام کمتر صدمه ببیند. لاریجانی هم میخواهد همین کار را بکند.

سؤال این است که ماهیت سیاسی پشت این کشمکشها و شمشیر از رو بستنها میان رهبران مافیای اسلامی چیست؟ اینجا سه وجه موضوع قابل تامل هستند:

۱- خیزش مردم در بیش از ۱۵۰ شهر در دیماه ۹۶، حکومت اسلامی را به طور جدی به وحشت انداخته است. بعد از آن هم یک آن اعتراضات قدرتمند کارگری مثل هپکو و هفت تپه و فولاد اهواز و رانندگان و راه آهن و بازنشستگان و زنان و جوانان و غیره از حرکت باز نایستاده اند. حتی زندانیان سیاسی که در اسارت این دژخیمان بیرحم هستند با شجاعت و جسارت تمام علیه نظام اسلامی مبارزه میکنند. حکومت اسلامی به طور جدی در محاصره یک جنبش عظیم است که فقط و فقط عزم دارد سرنگونش کند.

این یک ترفند شناخته شده حکومت اسلامی است که در چنین مواقعی دنبال بز بلاگردان میگردد و این بز ممکن از درون خود نظام باشد. به نظر میرسد در متن این همه جنایت و ظلم و تعدی و فقر و فلاکت و بیکاری و غیره و این همه اعتراض و تحرک سیاسی، حکومتی بدنام خانواده ای بدنام از میان خودش را انتخاب کرده است که ایهالناس ببینید جمهوری اسلامی دارد با فساد مبارزه میکند! این البته میتواند یک وجه کل این ماجرا باشد که

نشانه ای از حقه بازی همیشگی سیاسی رژیم است. اما اکثریت مردم آگاه در ایران این رژیم و دار و دسته هایش را خوب میشناسند و این حقه نمیگیرد.

۲- اما موضوع عمیقتر از اینهاست. اگر جنگ نهایی مردم علیه حکومت اسلامی پیش از مرگ طبیعی خامنه ای رخ دهد و حکومت اسلامی سرنگون شود، روشن است که بشریت شاهد محاکمه تاریخی صف بزرگی از جنایتکاران خواهد بود که از انتهای قرن بیست به زندگی میلیونها انسانها خون پاشیده اند و در ردیف اول چنین محاکمه ای بعد از خود خامنه ای، امثال یزدی و لاریجانی را خواهیم دید.

اما اگر خامنه ای پیشتر از این اتفاق تاریخی و باشکوه به درک واصل شود چه؟ در جنگ قدرت بعد از خامنه ای چه باندی پیروز خواهد شد؟ آیا روشن نیست که پیش از مرگ خامنه ای باید زمینه عقب راندن باندهای رقیب و سلطه باند خود را فراهم کرد؟ این مشغله همه دسته بندی های مافیای پیچیده اسلامی حاکم است. باندهای مختلف درون حکومت خوب میدانند که برای حفظ قدرت و ثروت باند خود باید قبل از مرگ خامنه ای کاری انجام دهند. کشمکش حاضر بخشا کشمکشی برای حذف رقیب و تحکیم موقعیت خود پیش از مرگ خامنه ای است.

به نظر میرسد باندهایی از درون بیت خامنه ای دارند با حذف خانواده لاریجانی، شرایط را برای رئیسی و باندش فراهم میکنند که اهرمهای اصلی قدرت را همین امروز در دست خود متمرکز کنند و بعد از مرگ خامنه ای در نقش جانشین خامنه ای ظاهر شوند.

۳- اما همه این کشمکشها متاثر از و در سایه یک کشمکش پایه ای تر، گسترده تر، بنیادی تر، رادیکالتر میان مردم و حکومت است که معنا پیدا میکند. و این شاخصترین و بنیادی ترین فاکتور موثر در این کشمکشها است.

در مقایسه با مقطع مرگ خمینی، هم ابعاد نفرت و انزجار از جمهوری اسلامی بسیار وسیعتر شده است؛ هم این نفرت و انزجار به جنبشها و تحرکات اعتراضی گسترده و متشکل در جامعه تبدیل شده است، طوری که حتی از داخل زندانها و زیر شکنجه و حتی طناب دار شخص خامنه ای یعنی سمیل نظام اسلامی را سکه یک پول میکنند. و البته به این باید اضافه کرد که مساله فقط عجز حکومت اسلامی از ایجاد رعب و وحشت در جامعه نیست بلکه فراتر از این در قیاس با دورانی که تلاش سازمانیافته ای راه افتاده بود تا با اصلاح طلبی برای حکومت وقت بخرند، امروز آن جنبشی دارد دست بالا پیدا میکند که اولاً به کلیت این حکومت نه میگوید، ثانیاً نه به حکومت اسلامی در همه عرصه ها، عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رادیکالتر شده است و تعمیق پیدا کرده است.

برخلاف دهه هفتاد و هشتاد شمسی، دهه نود با اعتراض رادیکال کارگری هپکو و هفته تپه و فولاد اهواز و کارگران راه آهن و بازنشستگان و صدها اعتراض کارگری، با شعار اداره شورایی جامعه، با اعتراض گسترده زنانی که کوچکترین تحمیلی در قبال قوانین ضد زن و شریعت اسلامی ندارند، با خیزش انقلابی دیماه ۹۶ تداعی میشود که رسماً و علناً پایان توهم به هر جناحی از

حکومت را اعلام کرد. حکومت اسلامی غرق در فساد، در بن بست و بحران حکومتی جدی قرار دارد. جنبش سرنگونی طلب پیش میرود اما بخش رادیکال، آزادیخواه، برابری طلب این جنبش دارد در عرصه های مختلف جایگاه برجسته تر، شاخصتر و موثرتری پیدا میکند.

حکومت اسلامی سرمایه داران که تا مغز استخوان فاسد است در مقابل جنبش عظیم طبقه کارگر و همه انسانهایی که آزادی میخواهند، برابری میخواهند، رفاه میخواهند، سعادت و خوشبختی و حرمت انسانی میخواهند قرار گرفته است. شیخ تبدیل شدن این جنبش عظیم به یک قیام علیه کل نظام طبقاتی و حکومت اسلامی است که جانپان را به جان هم انداخته است. و در عین حال همین ترس است که مجبورشان میکند در عین گرفتن خرخره همدیگر در گوشی بگویند که بترسید از آن روزی که "چون پرده برافتد نه تو مانی و نه من". *

۳۱ مرداد ۱۳۹۸

۲۱ آگوست ۲۰۱۹

مرگ بر جمهوری اسلامی

کارزار جهانی برای آزادی سهیل عربی پرسش از سه تن از سازماندهندگان کارزار

شنبه ۱۷ اوت ۲۰۱۹
مرداد آکسیونهایی در
ده ها شهر در سراسر
جهان در دفاع از آزادی
عقیده و برای آزادی
سهیل عربی یکی از
منتقدین جمهوری
اسلامی که بمدت شش
سال در ایران زندانی
است، برگزار شد. به این
مناسبت پرسش هایی را
با تنی چند از
سازماندهندگان و دست
اندرکاران این آکسیونها
در میان میگذاریم.

خلیل کیون: فراخوان
دهندگان و سازماندهندگان این
حرکت سراسری چه افرادی و
یا سازمانهایی بودند، در چه
کشورها و شهرهایی این
آکسیونها برگزار شد و چه
انعکاسی داشتند؟

نسترن گودرزی: فراخوان
این کمپین از طرف نهاد بین
المللی جمهوری بی خدایان
داده شد. موسس این نهاد
آرمین نوایی (چهره شناخته
شده آنتیست) است که از
طریق شبکه های اجتماعی
فعالیت خود را شروع کرد و
موفق شد گروهی پرشمار از
آنتیستها را تشکیل دهد.
جمهوری بی خدایان سالها با
هدف اتحاد بین آنتیست ها و
رسیدن به حقوق انسانی خود
و دفاع از حق کفر گویی و
آزادی بیان، ده ها برنامه و
مناظره ترتیب داده بود و در
نهایت تصمیم گرفت فعالیت
های خود را وارد فاز سیاسی
کند. به همین دلیل به عنوان
اولین فعالیت سیاسی تصمیم
گرفت از سهیل عربی، که به
جرم توهین به مقدسات و
سب النبی به مدت شش سال

تحت شکنجه و آزار و اذیت
جسمی و روحی جمهوری
اسلامی قرار گرفته است،
دفاع کند و از طریق شبکه
های اجتماعی خود فراخوان
کمپین حمایت از سهیل عربی
را اعلام کرد.

پس از اعلام فراخوان،
نهادهای اکس مسلم و کمیته
بین المللی علیه اعدام و
کمیته مبارزه برای آزادی
زندانیان سیاسی و بسیاری از
فعالین منفرد در گوشه و کنار
دنیا به این اطلاعیه پاسخ
مثبت دادند و در نهایت
افرادی از ۳۸ شهر دنیا با
سهیل عربی (به عنوان سمبل
یک زندانی آنتیست در ایران)
اعلام همبستگی کردند. این
فراخوان مورد توجه سازمان
فمن سوئد نیز قرار گرفت و
این سازمان با اعتراض عریان
و نوشتن عبارت "سهیل عربی
را آزاد کنید" بر روی بدن،
حمایت خود را از کمپین
نشان داد.

برای برگزاری تجمع در
بسیاری از شهرهای دنیا،
همراهان این کمپین با موانعی
چون عدم صدور مجوز پلیس
مواجه شدند و چون شاید
برای بعضی ها این تجربه اول
کمپین های این چنینی بود،
متأسفانه برخی شهرها با
وجود نیروهای مستعد برای
پیشبرد و سازماندهی کمپین،
نتوانستند مجوز تجمع بگیرند
و در نهایت تعداد شهرهای با
مجوز به ۲۲ شهر رسید. روز
۱۷ آگوست ما در ۲۲ شهر
دنیا توانستیم تجمع و
تظاهرات برای آزادی سهیل
عربی برگزار کنیم و این شهرها
عبارت بودند از : استکهلم،
کلن، تورنتو، ونکوور،
گوتنبرگ، فرانکفورت، وین،
لندن، مالمو، اوتاوا،
اندیاناپولیس، مدیسن -



نسترن گودری

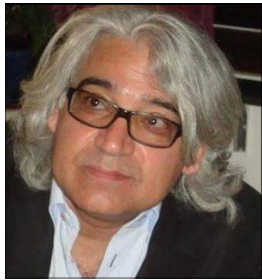
ویسکانسین، ملبورن، آنتورپ،
کلگری، ویکتوریا، پاریس، آتن،
لاسه، سیبو، کیپ تاون و
تولوز.
این حرکت تقریباً در تمام
رسانه های اپوزیسیون ایران و
همینطور اغلب رسانه ها و
فعالین مدنی حقوق بیخدایان
در سراسر دنیا مورد توجه قرار
گرفت. بطور یقین، پرونده
سهیل عربی جزو مواردی
خواهد بود که نمایندگان
جمهوری اسلامی در مجامع
بین المللی را تحت فشار قرار
دهد.

خلیل کیون: فراخوان این
اعتراض ابتدا توسط جمهوری
بی خدایان داده شد و بعد از
طرف شما مورد حمایت قرار
گرفت و ابعاد آن گسترده شد.



مینا احدی

هدف شما از این اقدام چه
بود؟
مینا احدی: این یک اقدام
مهم از طرف یک نهاد بین
المللی بود که مربوط به ایران
و مربوط به زندانیان سیاسی و
در دفاع از آزادی بیان بود. ما
باید از این فراخوان دفاع
میکردیم، چرا که یکبار دیگر
توجه ها را به سرکوب بی
خدایان و منتقدین اسلام و
مذهب و منتقدین حکومت
اسلامی جلب میکرد و نه فقط
این بلکه از مردم دنیا
میخواست در مقابل سفارت
خانه های رژیم اسلامی تجمع
کنند و نشان دهند که از
مبارزات مردم ایران و از
سهیل عربی قهرمان دفاع
میکند. این برای ما که دست



حسن صالحی

اندرکار همیشگی این نوع
اعتراضات هستیم بسیار مهم
بود. ما از این فراخوان دفاع
کردیم و آنتیست ها را بالا زدیم
و بدلیل داشتن امکانات شبکه
و نیرو در بسیاری از کشورها
فعالین ما فعالین حزب
کمونیست کارگری و کمیته
علیه اعدام و کمیته مبارزه
برای آزادی زندانیان سیاسی
و اکس مسلم سازمان دهنده
و سخنران بسیاری از
آکسیونها بودند. سوال باید
این باشد چرا بقیه اپوزیسیون
زیاد دفاع نکرد، آیا خبردار
نیستند در دنیا چه خیراست؟
آیا پشت میکنند به این حرکات
بین المللی و یا مشغول
کارهای دیگر هستند. من این
ادامه در صفحه ۱۰



از صفحه ۱۰

کارزار جهانی ...

سوال و این نقد را در سخنرانی خودم در مقابل کنسولگری حکومت اسلامی در فرانکفورت هم گفتم. طبیعی ترین عکس العمل اپوزیسیون بنظر من باید دفاع و شرکت در این حرکت می بود و ما این کار را کردیم.

خلیل کیوان: شما فکر می کنید که آکسیون جهانی ۱۷ اوت ۲۰۱۹ چه تاثیری در موقعیت سهیل عربی و افرادی که در موقعیت مشابهی هستند دارد؟

حسن صالحی: خواست فوری ما در این آکسیون این بود که سهیل عربی به همراه مادرش یعنی فرنگیس مظلوم که اخیرا هم در زندان دچار یک حمله قلبی خفیف شده است، هر دو بلافاصله آزاد شوند. ما فکر می کنیم حتی اگر این خواست بلافاصله عملی نشود اما این اعتراضات بر سرنوشت سهیل می تواند تاثیر مثبت داشته باشد. ما بارها از زندانیان سیاسی در اسارت شنیده ایم که چگونه در اثر این اعتراضات بهبود هایی در وضع آنها بوجود آمده است. بعلاوه به خاطر داشته باشید که حکم اولیه سهیل عربی اعدام بود و در اثر همین اعتراضات بین المللی و داخلی بود که اعدام به زندان تغییر یافت. کمیته بین المللی علیه اعدام با انجام کمپین های جهانی تاکنون جان شماری از محکومین به اعدام را از مرگ حتمی نجات داده است و یا با پیشبرد این کمپین ها فضایی بوجود آورده ایم تا رژیم در انجام جنایات بیشتر دست به اعضا شود. ببینید وقتی که اعتراضات جهانی می شوند و زندانیان سیاسی به چهره های شناخته

شده بین المللی تبدیل می شوند جمهوری اسلامی خود را در تنگنای بیشتری می یابد. از همین رو یک تلاش همیشگی جمهوری اسلامی این بوده است که با تهدید خانواده ها و بستگان، از رسانه ای و بین المللی شدن کیس های محکومین به اعدام و یا زندانیان سیاسی جلوگیری کند. چرا که گروگان گرفتن یک زندانی سیاسی که همه او را می شناسند برای جمهوری اسلامی هزینه بیشتری برمی دارد.

اما صرفنظر از مسئله آزادی سهیل و مادرش نفس دفاع ما از آزادی بیان در جریان این آکسیون یک فضای مبارزاتی ایجاد می کند. در این فضا مردم هر چه بیشتر حق انتقاد از مذهب را امر طبیعی خود می دانند و نسبت به منتقدین به مذهب سمپاتی بیشتری از خود نشان می دهند و از این حق بعنوان بخش لاینجذایی از آزادی بیان با گرمی بیشتری حمایت کنند. وقتی میخ چنین روحیه و فرهنگ مبارزاتی در جامعه کوبیده شود طبعا کسانی مثل سهیل که در زندان بسر می برند یاور و پشتیبانی بیشتر می یابند. امروز به دلیل چهل سال حکومت مذهبی در ایران که دما از روزگار مردم در آورده است بیزاری و رویگردانی از مذهب بیشتر شده است. اگر این موج ادامه یابد سلاح دستگیری و زهره چشم گرفتن از منتقدین به اسلام کارآیی خود را از دست خواهد داد. آخر مگر جمهوری اسلامی چقدر می تواند بازداشت و دستگیر کند زمانی که میلیونها انسان بی خدایی و یا انتقاد به مذهب را حق انتخاب آزادانه خود قلمداد می کنند؟*

**اصغر کریمی
زنده باد حزب**

در طول یک هفته گذشته دو اقدام بجا و موثر تشکیلات خارج حزب نشان داد که حزب کمونیست کارگری کجا ایستاده است. روز ۱۷ اوت در دفاع از سهیل عربی که به جرم اعتقاداتش در زندان به سر میبرد در دهها شهر در نقاط مختلف جهان آکسیون های اعتراضی برپا شد که تشکیلات خارج حزب نقش مهمی در آن ایفا کرد و صدای سهیل را در سطح وسیعی منعکس کرد. اقدام بعدی دو روز آکسیون پرشور و قدرتمند در مقابل پارلمان سوئد علیه حضور ظریف در این کشور و افشای سیاست مماشات جویانه دولت سوئد بود. در هر دو مورد فعالین حزب و سازمان جوانان کمونیست با آمادگی و هوشیاری کامل سازماندهی کردند و به استقبال آن

رفتند. آکسیون های حزب و سایر مخالفان جمهوری اسلامی در سوئد چنان رزمنده و پرشور و بموقع بود و با مدیریت سنجیده ای در عمل پیش رفت که نه تنها انعکاس وسیعی در رسانه های مختلف فارسی زبان پیدا کرد بلکه رسانه های سوئد از روزنامه ها تا تلویزیون ها را به برخورد انتقادی به دولت سوئد سوق داد و بار دیگر بیحقوقی مردم در ایران، حجاب اجباری و اعدام و شکنجه و زندانی کردن فعالین کارگری و منتقدان حکومت را مقابل چشم مردم سوئد قرار داد.

حزب اعتراض به

بیحقوقی همه مردم، زندانی کردن فعالین سیاسی و اجتماعی به جرم اعتقاد و اعتراض، بیحقوقی زنان، منتقدین مذهب و بیخدایان و بیحقوقی بخش های مختلف مردم را سیاست خود میداند و دست همه مخالفین جمهوری اسلامی در اعتراض به سرکوب و بیحقوقی را به گرمی میفشارد. موفقیت حزب در این آکسیون ها و در سایر فعالیت های حزب قبل از هرچیز ناشی از سیاست های کمونیستی و مسئولانه حزب در خارج و در داخل کشور و حضور همه جانبه در صحنه های مختلف مبارزه اعم از نظری و سیاسی تبلیغی و میدانی است.

همه مردم معترض و آزادیخواه را به پیوستن به صفوف حزب فرامیخوانم.

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

طنین قدرتمند جنبش سرنگونی در دو روز تجمع اعتراضی در استکهلم

در هفته گذشته در رسانه های خبری سفر محمد جواد ظریف به کشورهای اسکانندیناوی منتشر شد: روز دوشنبه ۱۹ اوت به فنلاند و روزهای سه شنبه ۲۰ و چهارشنبه ۲۱ اوت به سوئد و روز پنجشنبه ۲۲ اوت به نروژ. فضای سیاسی استکهلم

بسیار ویژه است. فضای سیاسی بسیار بالنده و جریانات، احزاب و سازمانهای سیاسی سرنگونی طلب و کمونیست حضور فعالانه دارند. جنبش سرنگونی و انقلابیگری و رادیکالیسم و کمونیزم در آن دست بالا دارد و حرف اول را میزند.

در هفته گذشته با انتشار خبر سفر ظریف به استکهلم، فضای اعتراضی فعالانه ای علیه جمهوری اسلامی و همچنین علیه مامشات دولت سوئد که میزبان ظریف بود بسرعت شکل گرفت. آماده سازی برای سازمان دادن تجمعات اعتراضی و نیز خبر رسانی و تبلیغات علیه جمهوری اسلامی در شبکه های اجتماعی اوج گرفت.

حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست با رویکرد بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی و اینکه مقامات جمهوری اسلامی نباید بتوانند براحتهی در خارج کشور حضور یابند فراخوان به



کیان آذر

فعالین حزب کمونیست کارگری با هدایت آکسیون مبنی بر ادامه حضور سیاسی قدرتمندانه در برابر پلیس و پارلمان سوئد چندین ساعت با شعارهای سرنگونی طلبانه و سخنرانی به انگلیسی و سوئدی و فارسی به حضور مقامات جمهوری اسلامی و نسبت به رویکرد دولت اعتراض خود را خستگی ناپذیر نشان دادند.

روز(دوم) چهارشنبه طبق اعلام قبلی از ساعت ده صبح در محل پارلمان به برپایی آکسیون اعتراضی اقدام کرده و فعالین و اعضا حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست ایرانیان آزاده و دیگر جریانات هم در محل حضور پیدا میکردند. روز دوم با جمعیت بیشتر و کوبنده تر شش ساعت اعتراض به طول انجامید و از بعدازظهر که ظریف در پارلمان سوئد حضور پیدا کرد اعتراضات قدرتمندانه تر پیش برده میشد. رسانه های

سوئدی و فارسی زبان هم در محل حضور پیدا کرده و گزارش تهیه میکردند.

در مقابل ساختمان مرکز بین المللی پژوهش صلح هم دیگر جریانات سرنگونی طلب و چپ حضور پیدا کرده و در مقابل محل سخنرانی ظریف و همچنین بر سر راه کاروان وی اعتراض بر پا کردند.

شعارهای اکسیون به زبان انگلیسی، سوئدی و فارسی سرنگونی جمهوری اسلامی، و اینکه حکومت اسلامی، قاتل و سرکوبگر مردم ایران و مشخصا فعالین کارگری، زنان، دانشجویان، رنگین کمانی ها و بخشهای وسیعی از جامعه است. رو به دولت سوئد این خواست در شعارها مطرح میشد که باید جمهوری اسلامی و مقامات این حکومت را بایکوت کرد و به مجامع بین المللی راه نداد و از مبارزات مردم ایران حمایت و پشتیبانی کرد و نه اینکه دولت سوئد با مامشات با جمهوری اسلامی به مردم ایران و دعوت از مقامات این حکومت به مبارزات و حکم مردم ایران مبنی بر سرنگونی این حکومت پشت کند.

فشار اعتراضات و انعکاس وسیع رسانه ای آن باعث شد که ظریف در فضایی عصبی هنگام سخنرانی در پارلمان سوئد اشاره به معترضین خارج از پارلمان کرده و بگوید اینها دروغگو هستند و ما سرکوبگر! نیستیم و از طرفی دیگر وزیر امور خارجه سوئد تحت فشار اعتراضات و سئوالات خبرنگاران بگوید ما تحت سیاستهای اتحادیه اروپا

حرکت میکنیم و در دیدار با وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی سئوالاتی مبنی بر نقض حقوق بشر در مقابل ظریف گذاشته ایم.

نکته دیگر فضایی جدید در اعتراضات خارج کشور است که اعتراضات دو روزه در استکهلم بر علیه جمهوری اسلامی و دولت سوئد پیامی مستقیم برای دولت های غربی دارد و آن اینست که نمیتوانند براحتهی میزبان مقامات جمهوری اسلامی باشند و خواسته میلیونها ایرانی در داخل و خارج کشور که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند را نادیده بگیرند.

برای جمهوری اسلامی این سفر هزینه سیاسی سنگینی داشت بطوریکه فضای رسانه ای فارسی زبانان و نیز بین المللی بر علیه جمهوری اسلامی از موضع سرنگونی طلبانه در یک بعد سراسری در رسانه های فارسی زبان و بین المللی موج میزد.

نکته بعدی موج سراسری اعتراضی که در شهر استکهلم بوجود آمد و ما شاهد یک همبستگی سرنگونی طلبانه علیه جمهوری اسلامی بودیم که گامی مهم برای اپوزیسیون است و سنگ بنای حرکت های قدرتمندانه تری در دوره پیش رو میباشد.

کیان آذر

۱ شهریور ۱۳۹۸

۲۳ اوت ۲۰۱۹

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!

حسن صالحی

چرا نامه به امضاکنندگان ۱۴ کنشگر عرصه زنان را نوشتیم؟

پاسخ به برخی

انتقادات مطلب من
خطاب به امضاکنندگان
بیانیه ۱۴ کنشگر
عرصه زنان با واکنش
های متفاوتی روبرو
شد.

بسیاری از این نوشته
خوششان آمد و برخی نیز به
آن انتقاد کردند. در اینجا می
خواهم انگیزه ام را از نوشتن
این نامه قدری توضیح بدهم و
در عین حال به برخی
انتقادات بپردازم.

بیانیه ۱۴ کنشگر مدنی و
فعال عرصه زنان در شرایطی
منتشر شد که جامعه بشدت
ملتهب و آستن وقایع بزرگی
است. اعتراضات گسترده
مردم (اعم از کارگران،
معلمان، بازنشستگان، زنان،
مالباختگان، پرستاران،
دانشجویان و جوانان) با
خواستهای روشن و رادیکال
شان خرخره حکومت را گرفته
است. در عین حال میلیونها
نفر از مردم به خاطر تورم و
گرانی، فساد و غارت اموالشان،
خرافات مذهبی، نابودی
محیط زیست، حیوان آزاری،
دشمنی حکومت با هرگونه
مظاهر علم، دانش، هنر و
موسیقی و نادیده گرفتن
حقوق اولیه انسانی و فردی و
آزادی های مدنی شهروندان
سر به عصیان برداشته اند.
نیروی سرکوب رژیم عملا
نتوانسته است آتش خشم و
نفرت مردم را خاموش کند.
خودشان از امکان غرق شدن
"کشتی جمهوری اسلامی" در
دریای خشم و بیزاری مردم



خبر می دهند. این را درست
تشخیص داده اند. مردم دیگر
به چیزی کمتر از سقوط و
سرنگونی حکومت راضی نمی
شوند. این حکم را با صدای
بلند در دی ماه ۹۶ فریاد
زدند.

ما
کمونیستهای،
آزادخواهان و جبهه مبارزان
آشتی ناپذیر علیه حکومت
سالهاست که برای خلق
چنین شرایطی زحمت کشیده
ایم. قربانی داده ایم. زندانی
شده ایم. پروژه اصلاح رژیم را
به شکست کشانده ایم. طرح
مشاطه گران حکومت اسلامی
در کنفرانس برلین را نقش بر
آب کرده ایم. فریاد زده ایم
"موسوی بهانه است، کل نظام
نشانه است". در وقایع دیماه
هم با فریادی رساتر گفتیم که
اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه
توموه ماجرا. در همان حال
پرچم شورا و اداره شورایی
امور جامعه را بلند کردیم.
حجاب را دور انداختیم.
جواب ملی اسلامی ها را
دادیم. پرچم مقابله با مذهب
و ایدئولوژی گنبدیده حکومت
را بلندتر و بلندتر برافراشتیم.
مطالبات عمومی مردم از
تحصیل و درمان رایگان
گرفته تا لغو اعدام و شلاق و
سنگسار را در جامعه رواج
دادیم. در شعارهایمان بانی
اصلی همه مشکلات را هدف
گرفتیم و طرحهایی نظیر رژیم
چنج و رفراندوم را بی اثر
کردیم...

در چنین شرایطی ۱۴
کنشگر مدنی و فعال حقوق
زن بیانیه ای منتشر می کنند
که در آن با صراحت و جسارت

از "گذار کامل از جمهوری
اسلامی" و استعفای خامنه
ای صحبت شده است. عده
ای در مخالفت با این بیانیه
آن را "یک بیانیه دست
راستی" (چه بذل و بخششی
برای راست!) شمرده اند. عده
ای دیگر به سبک دایی جان
ناپلئون آن را دست پخت خود
رژیم دانسته اند (عجب
رژیمی که خواهان گذار کامل
از نظام خود است!) اما در این
میان من نظر دیگری را مطرح
کردم. این بیانیه راست
نیست، مثلا ذکر آپارتاید
جنسیتی در بیانیه این ۱۴ نفر
ترمی است که ما کمونیست
ها در جامعه رواج داده ایم، یا
اینکه حقوق برابر زن و مرد یا
نقد فرهنگ مردسالار مال
راست ها نیست. راست ها که
مشغله شان در کردستان
مذاکره و سازش با حکومت
بود. سلطنت طلبان هم که
دست دعا به سوی ترامپ دراز
کرده بودند.

با اینکه من از این بیانیه
حمایت نکردم (از جمله بنا به
دلایلی که در نامه قبل ذکر
کردم)، اما انتشار آن را مثبت
ارزیابی کردم. به نظر من اگر
امروز کنشگرانی در داخل
کشور با شهامت از لزوم رفتن
جمهوری اسلامی حرف می
زند این نشانه قدرتمند بودن
جنبشی است که طی سالهای
گذشته در دامن خود ما
پرورش یافته است. اگر
شورش دیماه ۹۶ نمی بود،
اگر فولاد و نیشکر هفت تپه
نمی بود، اگر اعتراض در
خیابان نمی بود، اگر سیاست
های درست و فعالیتهای
وسیع و مستمر ما کمونیست
ها نمی بود، مطمئنا این
کنشگران مدنی الان مشغول
کار دیگری می بودند. بنا بر
این انتشار چنین بیانیه ای با
مضمون عبور از جمهوری
اسلامی نباید موجب ترس و
نگرانی ما شود بلکه باید

اعتماد به نفس ما در پیمودن
پیگیرانه راهی را که آغاز کرده
ایم چند برابر کند.

حالا چرا عده ای همه
دستاوردهای جنبش رادیکال
سرنگونی طلب را که به چپ و
کمونیسیم تعلق دارد به
جریانات راست بذل و بخشش
می کنند؟ این موضع به هیچ
وجه چپ نیست بلکه
ناخواسته آوانس دادن به
راست است. این موضع عملا
دارد به مردم سرنگونی طلب
میگوید که راست شما را
نمایندگی میکند نه چپ! با
منتشر شدن هر بیانیه ای
درباره عبور از نظام، نیرویی
که می خواهد در نقش رهبر و
بسیج کننده کل جامعه علیه
حکومت ظاهر شود قاعدتا
خود را قوی تر می بیند و فضا
را برای فعالیت رادیکال خود
مناسب تر می یابد. ولی کسی
که کنار گود نشسته است از
فریاد سرنگونی طلبی دیگران
روحیه اش را می بازد و به آیه
های ایدئولوژیکش پناه می
برد. ما وظیفه خود می دانیم
که روایتی عمیق و رادیکال از
"گذار کامل از جمهوری
اسلامی" را به تلقی عمومی
جامعه تبدیل کنیم. در همین
رابطه در حدود یک سال پیش
بیانیه دیگری از سوی فعالین
داخل کشور منتشر شد به
اسم "بیانیه آزادی". در این
بیانیه که شامل ۱۵ بند است
معنای عملی رفتن جمهوری
اسلامی بطور روشنی تعریف
شده است. این بیانیه که
تعداد امضا کنندگانش اکنون
به مرز بیست هزار نفر رسیده
است، مورد تایید من هم بود و
آن را امضا کردم.

من خطاب به امضا
کنندگان بیانیه کنشگران زن
نامه نوشتم به این دلیل ساده
که میخواستیم با اشاره به نقاط
مثبت این بیانیه و دریچه ای
را که برای زدن بیشتر
حکومت اسلامی در جامعه باز

می کند، اشکالات جدی آن را
به امضا کنندگانش گوشزد
کنم. من به نویسندگان این
بیانیه هشدار دادم که در دام
آیکون های جریانات مرتجعی
که با شعار "تمامیت ارضی"
خاک به چشم مردم می
پاشند و پاسخی برای دردهای
بیشمار مردم ندارند، نیفتند.
این بیانیه با جسارت خواستار
استعفای خامنه ای و گذار
کامل از جمهوری اسلامی
شده و از همین بابت زیاد مورد
توجه قرار گرفته است.
جریانات راست جنبه های
انحرافی این بیانیه را برجسته
میکند تا سیاست های خود
را تقویت کنند. اما من از
دیدگاهی متفاوت ضمن تاکید
بر جنبه های مثبت این بیانیه
با نقدی تیز به رد جریانات
ناسیونالیست و راست
پرداختم تا با مسئولیتی که
برای خودم در قبال جنبش
سرنگونی قائل هستم اجازه
ندهم که این جنبش به
ناخالصی های مضر آلوده
شود. اگر در ایران می بودم و
این بیانیه را برای امضا کردن
نزد من می آوردند به آنها می
گفتم که این نکاتش باید تغییر
کند تا آن را تایید کنم. کسی
که هدفش از مبارزه سیاسی
فقط اعلام موضع و خط کشی
های سیاسی است متوجه
نیست که با این روش نمی
توان نیرویی را جابجا کرد
حتی اگر نیت مثبتی هم
داشته باشد. مبارزه سیاسی
مبارزه مکتبی نیست. کسی
که از "عبور کامل از جمهوری
اسلامی" سخن می گوید لازم
نیست که الزاما نعل به نعل
مثل ما حرف بزند تا مورد
توجه قرار بگیرد. من همه
امضا کنندگان بیانیه را کاملا
نمی شناسم. اما همینقدر می
دانم که شماری از آنها مثل
من "بیانیه آزادی" را هم امضا
کرده اند. در بیانیه آزادی
ادامه در صفحه ۱۵

گزارشی از تظاهرات علیه حضور ظریف در نروژ

امروز پنجشنبه ۲۲ آگوست ۲۰۱۹ ظریف وزیر امور خارجه یکی از هارترین و جنایتکارترین حکومتها، مهمان دولت دست راستی نروژ بود. به این مناسبت صدها نفر از مخالفین جمهوری اسلامی در مقابل محل ملاقات ظریف با سولبرگ نخست وزیر نروژ در اسلو تجمع کردند و اعتراض شدید خود را علیه حضور نماینده جمهوری اسلامی و علیه دیپلوماسی شرم آور دولت نروژ اعلام کردند.

تظاهر کنندگان، در حالی که نیروهای پلیس با حضور وسیع و با کشیدن نرده از محل محافظت میکردند، با سر دادن شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر حکومت تروریست، مرگ بر حکومت اعدام، مرگ بر حکومت اختلاس، مرگ بر حکومت آپارتاید جنسی، سفارت رژیم تعطیل باید گردد و سولبرگ (نخست وزیر نروژ) خجالت، خجالت، دولت نروژ خجالت، تظاهرات پرشوری را سازمان



صابر رحیمی

فضای گرمی به تظاهرات امروز دادند. چند روز قبل نیز واحد نروژ حزب طی نامه سرگشاده ای به وزیر خارجه نروژ که رونوشت آنرا به احزاب سیاسی نروژ، گروههای پارلمانی و دفتر نخست وزیر ارسال کرده بود به حضور وزیر خارجه رژیم اسلامی اعتراض کرده بود.

ما بار دیگر اعلام میکنیم که اجازه نمیدهیم جنایتکاران رژیم اسلامی به راحتی در کشورهای غربی رفت و آمد کنند. جنایتکاران هر جا حضور پیدا کنند حضور آنها را به صحنه اعتراض علیه حکومت جنایتکار اسلامی تبدیل خواهیم کرد.

صابر رحیمی دبیر واحد حزب در نروژ

فعالین حزب کمونیست کارگری همچنین پوسترهایی از کارگران و زندانیان سیاسی در دست داشتند و در صحبت های کوتاه خود

نامه سرگشاده به وزیر امور خارجه نروژ در اعتراض به دعوت وزیر خارجه رژیم اسلامی!

اینه اریکسن سوریده گرامی! بدون شک شما، نخست وزیر ارنا سولبرگ و همه اعضا دولت ایشان و نمایندگان پارلمان نروژ در جریان اتفاقات و اوضاع ایران هستید. مطمئنن همه شما خبر دارید که دهها نفر از فعالین کارگری این روزها در زندان تحت شکنجه و در شرایط غیر انسانی بسر میبرند. تعداد زیادی از آنها به زندان طویل المدت و حتی حکم غیر انسانی شلاق محکوم شده اند. جرم این کارگران شرکت در مراسمهای اول مه و اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده پنج برابر زیر خط فقر است. زنان زیادی به جرم اعتراض به حجاب اجباری دستگیر شده و محکوم به زندان طولانی مدت شده اند. شما همچنین اطلاع دارید که صدها نفر زندانی سیاسی در زندانهای رژیم در حبس به سر میبرند.

دقیقا در همین روزها در حالی که شما از نماینده رژیم اسلامی پذیرایی میکنید صدها هزار کودک به جای نشستن روی نیمکت مدرسه در خیابانها کار و "زندگی"

میکندند و اکثریت مردم ایران زیر خط فقر به سر میبرند. این در حالیست که سردمداران رژیم اسلامی و مقامات ریز و درشت این حکومت حسابهای بانکی خود را در داخل و خارج ایران با میلیاردها دلار پر کرده اند.

ظریف نماینده حکومت آپارتاید جنسی است که نیمی از جمعیت کشور را آدم حساب نمیکند. او نماینده یک حکومت تروریستی است که منطقه خاورمیانه را در آستانه نابودی قرار داده و دنیا را ناامن کرده است.

دولت نروژ وزیر خارجه حکومتی را دعوت میکند که تحت هیچ عنوانی نماینده مردم ایران نیست.

مردم ایران به پا خاسته اند و مصممند که این حکومت را سرنگون کنند.

هیچ دلیلی نمیتواند روابط دوستانه دیپلماتیک شما را با حکومت اعدام، شکنجه، اختلاس و ترور حاکم بر ایران توجیه کند.

مردم ایران این اعمال را نه فراموش میکنند و نه میبخشند.

مردم ایران از دولت نروژ و دیگر دولتهای غربی انتظار دارند که رژیم اسلامی ایران را بایکوت کرده و روابط دیپلماتیک خود را با این حکومت قطع کنند.

**تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری
ایران - نروژ**



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

از صفحه ۱۳

چرا نامه به امضاکنندگان بیانیه ۱۴ کنشگر عرصه زنان را نوشتیم؟

حرفی از "تمامیت ارضی" و "مبارزه بدون خشونت" نبود ولی با وجود این مورد تایید حداقل چهار پنج نفر از امضا کنندگان بیانیه اخیر نیز قرار گرفت. شماری از آنها در کارزارهای چپ و آزادیخواهانه دیگری هم حضور داشته اند. برای مثال نازنین افشین جم که همراه با سیزده نفر دیگر با صدور بیانیه در خارج کشور از بیانیه کنشگران زن در داخل کشور حمایت کرده است از کسانی بود که در کنار مینا احدی عزیز برای لغو مجازات اعدام کودکان مبارزه مشترک و موثری را به پیش برد. جای تاسف است که کسانی برای خود نرم هایی ساخته اند که زمانی که من آنها را می شکم مورد تکفیر قرار می گیرم. البته "کفر گویی" در سنت کمونیسم کارگری بدیع نیست و منصور حکمت بارها این کار را کرده است.

من بر این باورم که امروز و در شرایطی که جامعه از درون برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی می

جوشد - چیزی که صدور بیانیه زنان کنشگر نیز مبین آن است - نیرویی می تواند اعتماد مردم را به خود جلب کند که واقعا نماینده نه مردم به حکومت اسلامی باشد. ما می خواهیم که همه مردم را به صف سرنگونی بکشانیم. ما بعنوان یک نیروی سرنگونی طلب طبعاً خوشحال هستیم که سرنگونی طلبی گفتمان اصلی در جامعه است. مردم با حکومت اسلامی هم از نظر سیاسی و هم اقتصادی و هم ایدئولوژیک مشکل دارند و آن را هدف گرفته اند. این یک جنگ تمام عیار است. کسی در این جنگ می برد که اساس نیرویش را برای زدن جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن خاکریزهایی صرف کند که برای بقای عمر این رژیم ایجاد شده است. محک و معیار مردم برای اعتماد به نیروهای سیاسی این است که آنها در این جنگ چقدر حاضر به براق و آماده انداختن این رژیم هستند. و اگر ما در این میدان حاضر به براق باشیم مطمئن باشید که سیاست ها و شعارها و خواست هایمان نیز به خواست های اصلی جنبش سرنگونی تبدیل میشود. حزب کمونیست کارگری ایران امروز نوک تیز یک رادیکالیسم عظیم توده ای در ایران است. روشن است که متد ما، سیاست های

ما و فعالیت های ما با چپی که اساس کارش خط کشی با جریانات دیگر است تفاوت های اساسی دارد. برای آن چپ مسئله قدرت سیاسی و حضور یافتن در قسمت گود استخر مطرح نیست، قدرت سیاسی برایش تابو است، آن را به جریانات دیگر میسپارد و همیشه در بهترین حالت منتقد و اپوزیسیون حاشیه ای آنها میشود. ما با این چپ سختی نداریم.

خلاصی از شر غده سرطانی جمهوری اسلامی آرزوی میلیون ها نفر از مردم است. ما حزب کمونیست کارگری را ساخته ایم که با آن بتوانیم سرنگونی این حکومت را با قدرت هر چه بیشتری عملی کنیم و جامعه ای آزاد و انسانی و برابر برپا کنیم. تنها با متد و سیاستی که حزب ما تا کنون تقییب کرده است میتوان به این هدف رسید.

در پایان مایلیم از نظرگاه حزب کمونیست کارگری ایران معنای "عبور کامل از جمهوری اسلامی" را هم توضیح دهم. ما معنی سرنگونی حکومت اسلامی را در برآورده شدن خواسته های زیر می دانیم:

۱- خلع ید حاکمین کنونی از قدرت اعم از ولی فقیه، رئیس جمهور و همه مقامات دولتی
۲- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه

مقامات جمهوری اسلامی که در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند. پیگرد بین المللی مقامات جنایتکار فراری حکومت.

۳- انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت
۴- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم
۵- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی

از نظر ما با سرنگونی جمهوری اسلامی این خواستها باید هر چه سریعتر عملی شوند:

۱- آزادی فوری و بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی

۲- لغو مجازات اعدام.
۳- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی. لغو فوری همه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان.

۴- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۵- اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۶- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان کشور مستقل از مذهب، زبان، قومیت، جنسیت، گرایش جنسی، ملیت و تابعیت

۷- حساسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگانشان و همچنین کلیه موسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و موسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده اند، بازگرداندن اموال و دارایی های به سرقت رفته کشور که توسط سران و مقامات حکومتی به خارج کشور برده شده و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه

۸- تامین فوری میرم ترین نیازهای رفاهی جامعه. افزایش فوری دستمزد و حقوق متناسب با سطح هزینه ها و منطبق با آخرین استانداردهای زندگی امروز. رایگان کردن فوری طب و آموزش و پرورش.*

سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

سوسیالیسم راه نجات ما است!

آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. گله

بیش از چهل سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

آدرس های تماس با حزب کمونیست کارگری:



سایت حزب: www.wpiran.org

فیسبوک: www.facebook.com/wpiran

تلگرام: [https://telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

کمیته سازمانده حزب

تلفن، واتس آپ و ایمو:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ایمیل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام - ادمین: @sazmande

سایت: www.sazmandeh-wpi

تلویزیون کانال جدید

<http://newchannel.tv>

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلگرام - ادمین: @kanaljadid

پیامگیر: 0013108569897

کمیته کردستان حزب

سایت: www.iskraa.net

تلگرام:

<https://t.me/komitekordestan>

ایمیل:

nasan.nodinian@gmail.com

فیسبوک

www.facebook.com/komite.kurdstan.wpi

دفتر مرکزی حزب

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

ایمیل: markazi.wpi@gmail.com

کمیته خارج کشور حزب

ایمیل: komitexarej@gmail.com

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۳۹۶۵۹۴

سازمان جوانان کمونیست

کانال تلگرام:

https://telegram.me/jk_org/

اینستاگرام:

<http://instagram.com/javanan.komonist>

فیسبوک:

<https://www.facebook.com/cyo.sjk>

یوتیوب:

<https://www.youtube.com/user/sjkiran1>

کمیته آذربایجان حزب

ایمیل:

komiteazarbaijan76@gmail.com

فیس بوک:

facebook.com/sahandazadiwpi

کانال تلگرام: @KSahand

کانال تلگرام انجمن مارکس:

<https://telegram.me/anjomanmarx>